

بررسی فرایند انقلاب اسلامی در بروجن

حمید بصیرت مش^۱

مریم رفیعی وردنجانی^۲

چکیده

انقلاب اسلامی ایران برخلاف سایر انقلاب‌ها با مشارکت اکثر قریب به اتفاق همه اقشار جامعه به وقوع پیوست. در این انقلاب، مردم همه‌ی مناطق و شهرهای کشور سهیم بودند. یکی از ابعاد که می‌تواند به روشن‌تر شدن مباحث و تحلیل‌های انقلاب کمک کند، بررسی تحولاتی است که در شهرها و روستاها به وقوع پیوسته است.

پژوهش حاضر برآن است تا نحوه گسترش باورها و اعتقادات اسلامی و انقلابی در شهر بروجن و حوادث و رخدادهاى منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی را در این شهر کوچک مورد توجه قرار دهد. در این خصوص پس از توصیف تحولات اداری و اجتماعی شهر در دو دهه ۴۰ و ۵۰ ش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای (اسناد، کتاب، روزنامه) و مصاحبه‌های متعدد، سیر حوادث و رخدادهاى انقلاب در سال ۱۳۵۷ و نقش اقشار گوناگون در تحولات انقلابی در این شهر بررسی شده است.

براساس یافته‌های این پژوهش، بافت مذهبی شهر و مسافرت تعدادی از روحانیون متعهد از قم و دیگر نقاط به این منطقه و سخنرانی‌های روشنگرانه آنان موجب آشنایی مردم بروجن با جریان کلی انقلاب شد. در داخل شهر فعالیت‌های فرهنگی نهادهای مردمی، مانند «کانون جوانان اسلامی» در آموزش و تربیت نیروهای آگاه و ایجاد فضای انقلابی در بروجن مؤثر بودند. در ابراز مخالفت‌ها و اعتراضات مردم شهر بروجن در سال ۱۳۵۷، نقش فرهنگیان (معلمان و دانش‌آموزان) جالب توجه است. مردم این شهر افزون بر نارضایتی

e-mail:basirat1341@yahoo.com

e-mail:rafy.zahra@yahoo.com

۱. استادیار پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

۲. کارشناس ارشد رشته تاریخ انقلاب اسلامی

منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادث دیگر شهرها (مانند اصفهان) به سیل عظیم انقلاب پیوستند.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بروجن، کانون جوانان اسلامی، معلمان و دانش‌آموزان

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، نتیجه مجاهدت‌های بی‌وقفه مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) بود. در مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی، به تحولات شهرهای کوچک چندان توجه نشده است؛ درحالی‌که نقش آفرینی شهرها و آبادی‌های کوچک را نمی‌توان نادیده انگاشت. امام خمینی (ره) نیز هم‌زمان با فراگیر شدن مبارزات مردم در بخشی از پیام خود در ۵ مرداد ۱۳۵۷، ضمن تأکید بر نگارش صحیح تاریخ انقلاب، از نویسندگان امین و متعهد خواستند که با دقت به بررسی تاریخ نهضت اسلامی بپردازند و قیام‌ها و تظاهرات مردم شهرستان‌های کشور را با ذکر انگیزه آنان به نگارش درآورند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۳: ۴۳۴)؛ بنابر این ضرورت، در این مقاله روند انقلاب اسلامی و نقش گروه‌ها و اقشار گوناگون مردم در یکی از شهرهای کوچک ایران، یعنی شهر بروجن کنکاش شده است.

موقعیت جغرافیایی شهر بروجن^۱

بروجن یکی از شهرهای استان چهارمحال و بختیاری و دومین کانون جمعیتی این استان پس از مرکز آن، شهرکرد است. استان چهارمحال و بختیاری در جنوب غربی ایران واقع است و یک درصد مساحت ایران را به خود اختصاص داده است. این استان منطقه‌ای کوهستانی در میان رشته کوه زاگرس است که حدود ۸۰ درصد آن را کوه‌ها و تپه‌ها تشکیل داده است. بروجن در دشتی وسیع در شرقی‌ترین نقطه استان و محل تلاقی راه‌های منتهی به استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، اصفهان و فارس قرار گرفته است. این شهر به بام ایران معروف است (فیاضی، ۱۳۸۶: ۲۷) و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ جمعیت آن بالغ بر ۵۲ هزار نفر بوده است (محمدرضا خلیلیان، ۱۳۹۱/۵/۸) از لحاظ تقسیمات کشوری، استان چهارمحال و بختیاری تا سال

۱. نقشه این شهر در ضمایم آمده است.

۱۳۲۱ش تابع استان اصفهان بود. در ۱۳۲۹/۹/۲۱ بر اساس مصوبه شماره ۱۱۱۹/۷ با انتزاع دهستانهای کیار و گندمان از بخش حومه شهرکرد، بخش جدیدی به نام بروجن تشکیل شد. تبدیل این شهرستان به فرمانداری در سال ۱۳۳۷ به تصویب هیأت دولت رسید. در سال ۱۳۵۲ فرمانداری کل با دو شهرستان شهرکرد و بروجن به استان چهارمحال و بختیاری تبدیل شد (فیاضی، ۱۳۸۶، ۵۲ و ۵۳).

۱. وضعیت اجتماعی بروجن در دهه ۴۰ و ۵۰

برای آشنایی با وضعیت اجتماعی شهر بروجن به عنوان خاستگاه جغرافیایی که فرایند انقلاب در سال ۱۳۵۷ و ۱۳۵۶، در آن به وقوع پیوسته است، این موضوع را در دو بخش نهادهای دولتی و غیردولتی دنبال می‌کنیم:

بر اساس سرشماری سال ۱۳۵۵، جمعیت بروجن حدود ۲۹ هزار نفر بوده است. شغل بیشتر مردم این شهر دامداری، بازاری و کشاورزی بوده است. از یک سو وجود دشت‌ها و مراتع خوب در این شهرستان باعث شده است تا دامداری در این شهر رونق نسبتاً خوبی داشته باشد و از سوی دیگر، قرار گرفتن در محل تلاقی چند جاده ارتباطی باعث شده است تا این شهر به صورت یک بازار عمومی درآید. کشاورزی در مقایسه با دامداری و دادوستد در مرتبه سوم قرار داشت. از لحاظ وضعیت معیشتی ساکنان این شهر، بیش از ۹۰ درصد مردم این شهر در وضعیت معیشتی سختی به سر می‌بردند (ناصر مسعودی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

الف - تکاپوی نهادهای دولتی و مرتبط با دولت

اصلاحات ارضی در بروجن

سوابق مربوط به مالکان و زمین‌داری بروجن، که به یاد اهالی این منطقه مانده است، به اواخر دوره قاجار و ابتدای دوره رضاشاه بازمی‌گردد. از خوانین و مالکان بزرگ اواخر دوره قاجار در بروجن شهاب‌السلطنه بود که گفته شده فردی علم دوست، خیر و منشأ بسیاری از کارهای نیک، از جمله ساخت محله نو، ایجاد باغ‌های سیاسی، ساخت بازار و ساخت مدرسه‌ی جمال‌الدین بوده است (غلامعلی شیرانی، ۱۳۹۱/۹/۷).

با اجرای سیاست خلع سلاح و اسکان عشایر در دوره پهلوی، تعدادی از خوانین و رؤسای ایل بختیاری حبس یا تحت نظر قرار گرفتند (آبراهامیان، ۱۳۸۲: ۱۷۶). شهاب‌السلطنه هم در شمار کسانی بود که به تهران احضار شد و تا پایان سلطنت رضاشاه تحت نظر بود (گالت، ۱۳۷۸: ۱۷۸). در غیاب شهاب‌السلطنه نمایندگان وی در زمان برداشت محصول سهم خان را دریافت می‌کردند. مالکان و ادار شدند تا زمین‌هایشان را به غیر خوانین بفروشند که از آن جمله سهام برادر شهاب‌السلطنه بود (علی‌اکبر رضوانی، ۱۳۹۱/۹/۱۴). با تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی در دهه ۴۰ تقسیم اراضی در شهر بروجن با در نظر گرفتن اصول زیر انجام شد:

۱. زمینی که تا پنج کیلومتری شهر باشد شامل اصلاحات ارضی نمی‌شود؛ ۲. در صورت توافق بین مالک و زارع، نصف زمین به مالک و نصف دیگر به رعیت واگذار می‌شود. در غیر این صورت، چکی به مبلغ ناچیز در وجه مالک می‌نوشتند و سند مالک را ابطال و سند را به نام رعیت می‌کردند (محمدرضا پیراسته، ۱۳۹۱/۷/۲۹). طبق اصل اول، زمین‌های اصلی بروجن (مزارع سیاسرد، چاه سفید، حسن آباد، صحرا دی، خوگنار) شامل اصلاحات ارضی نمی‌شدند (مصاحبه با رحمت‌الله شبانیان، ۱۳۹۱/۹/۵). مزارع دشت حلوایی، مرجن، معموره، قوین آباد و عتبات، مشمول اصلاحات ارضی شدند. مطابق اطلاعات به‌دست آمده گروهی از مردم اصلاحات ارضی را پذیرفتند و به کشت و زرع روی زمین‌ها پرداختند و برخی دیگر از قبول این زمین‌ها خودداری کردند (رحمت‌الله سعادت، ۱۳۹۱/۸/۱۸).

اصلاحات ارضی باعث شد، کسانی که توان توسعه کشاورزی داشتند کنار بروند و کشاورزی در اختیار کسانی قرار بگیرد که توان توسعه آن را نداشتند؛ به‌علت قطعه‌قطعه شدن زمین‌های زراعی و همچنین، به‌علت نداشتن توانایی مالی برای استفاده از وسایل مدرن و مکانیزه، زمینه رکود کشاورزی روزه‌روز بیشتر مهیا شد. از طرف دیگر، کشاورزان قبل از اصلاحات ارضی با پرداخت یک سهم به خان، وظیفه لای‌روبی قنات‌ها و رساندن آب به مزرعه را بر عهده آنان می‌گذاشتند؛ اما بعد از اصلاحات این کار را باید خود کشاورز انجام می‌داد. بدین ترتیب، اصلاحات ارضی به ضعف بنیة کشاورزی در بروجن منجر شد (رحمت‌الله شبانیان، ۱۳۹۱/۹/۵).

تشکیل ساواک در بروجن

ساواک مهم‌ترین نهاد امنیتی - اطلاعاتی بود که در سال ۱۳۳۵، در ایران تأسیس شد. این سازمان در ۱۳۴۳ به ریاست سرهنگ حسن ترابی در شهرکرد (فرمانداری کل) تشکیل شد. در سال ۱۳۴۶، ساواک چهارمحال به دلایلی، از جمله وسعت فرمانداری کل، نبود جاده و راه‌های مواصلاتی و حساس بودن برخی از مناطق خواهان ایجاد شعبه در شهرستان بروجن شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۲۵-۲۸). بدین گونه، ساواک بروجن در ساختمان اجاره‌ای محمد فروهی، واقع در خیابان طالقانی فعلی تأسیس شد. ساواک بروجن یکی از ساواک‌های بسیار فعال فرمانداری کل چهارمحال و بختیاری بود (نصیر فیاضی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

سازمان زنان بروجن

یکی از سازمان‌های دولتی که زیر نظر اشرف پهلوی ایجاد شد، سازمان زنان بود که در کنار آموزش‌های متعدد به زنان، سعی داشت جامعه سنتی را با فرهنگ غربی آشنا کند. این سازمان نقش تبلیغی برای رژیم داشت؛ اگرچه به نظر می‌رسد این سازمان در برخی جهات مثمر ثمر بود، در برخی موارد به فرهنگ عمومی و سنتی مردم بی‌توجهی نشان داد. سازمان مذکور در بروجن نیز همانند سایر شهرهای ایران تشکیل شد. ساختمان این سازمان در خیابان نواب فعلی بود و ریاست آن را مریم برجیان بر عهده داشت که فردی خیر و فعال در زمینه امور اجتماعی و مسائل عمرانی شهر بود. یکی از اهداف این سازمان وارد کردن زنان در فعالیت‌های اجتماعی بود؛ از این رو، از زنان خواسته می‌شد در اعیاد و جشن‌های مختلف شرکت کنند. این سازمان در شهر بروجن در زمینه‌های گوناگون کلاس برگزار می‌کرد. زنان بروجنی نیز از کلاس‌های سازمان استقبال خوبی کردند (زرین شیروانی، ۱۳۹۱/۶/۲۷).

گفته شده است، یکی از اهداف این سازمان، تشویق زنان به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی بود؛ ولی به نظر می‌رسد به این جنبه از اهداف سازمان کمتر اهمیت داده شد و زنان شهر با برنامه‌های اجتماعی و حضور در جامعه به صورت مورد نظر سازمان موافق نبودند. فقط علاقه آنان به آموزش و فراگیری هنرهای جدید موجب شد تا از این کلاس‌ها استقبال کنند.

ب- تکاپوی نهادهای غیردولتی و مردمی

برگزاری مجلس ختم آیت الله بروجردی در بروجن

سال ۱۳۴۰ سرآغاز فصل نوینی در تاریخ مبارزات روحانیت است. تنها ده روز از این سال می-گذشت که آیت الله بروجردی مرجع بزرگ شیعیان جهان رحلت کردند. با انتشار خبر فوت ایشان مردم بروجن همانند سایر شهرها در مساجد شهر مراسم ترحیم برگزار کردند. در یکی از این مراسم آیت الله ابوالقاسم خزعلی در مسجد مدنی حضور یافت و سخنرانی کرد. گفته شده است، مردم بروجن در عزای آیت الله بروجردی حتی دسته‌های سینه‌زنی به راه انداختند و سه روز در مساجد این شهر مراسمی منعقد بود. برخی از اهالی نیز برای شرکت در مراسم ترحیم ایشان به قم مسافرت کردند. بعد از فوت آیت الله بروجردی، عده‌ای از مردم بروجن از آیت الله گلپایگانی و عده‌ای از آیت الله حکیم تقلید کردند و برخی برای یافتن مرجع جامع الشرایط به شهر قم سفر کردند (آیت بنایی، ۱۳۹۱/۶/۱۴).

وکیل آیت الله خمینی در بروجن

در سال ۱۳۴۶ محمد احمدی (یکی از روحانیون مرتبط با امام) در نامه‌ای به رفتار نماینده ایشان در بروجن اعتراض کرد که وجوهات شرعی مردم را به نحو دلخواه مصرف می‌کند. آیت الله خمینی در پاسخ از وی خواست یکی از بازاریان شهر را که مورد اعتماد ایشان و مردم است، نماینده معرفی کند. احمدی موضوع را با محمد عباسیان که وکیل آیت الله حکیم و مورد اعتماد مردم و عده‌ای دیگر از مراجع تقلید، از جمله آیت الله گلپایگانی بود در میان گذاشت و ایشان با کمال میل پذیرفت (محمد عباسیان، ۱۳۹۱/۹/۸) و آیت الله خمینی اجازه‌نامه‌ای برای ایشان فرستاد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارم محال و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۴۲). محمد عباسیان از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۴ وجوهات مردم را برای آیت الله خمینی فرستاد. ساواک بروجن، طبق دستور ساواک تهران وی را زیر نظر داشت؛ ولی مزاحمتی برای ایشان به وجود نیاورد (محمد عباسیان، ۱۳۹۱/۹/۸).

در راستای ایجاد محدودیت اقتصادی برای آیت الله خمینی، ساواک در تمام نقاط ایران به شناسایی و دستگیری و کلای شرعی ایشان مبادرت ورزید. در خردادماه سال ۱۳۵۴ مأمور ساواک

در اداره پست بروجن، نامه‌ای را شناسایی کرد که از طرف آیت‌الله خمینی برای محمد عباسیان ارسال شده بود. نامه حاوی رسید وجوه شرعی آیت بنایی، حسینقلی بنایی، علی نیله، حسن و حسین ناصری بود. ساواک این افراد را احضار کرد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحل و بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۴۰). آنان پس از یک ماه حبس در زندان شهرکرد، به زندان اصفهان منتقل شدند. دادگاه نظامی اصفهان عباسیان را به سه سال حبس و علی نیله، آیت بنایی و حسینقلی بنایی را به سه ماه حبس محکوم کرد (مصاحبه با آیت بنایی، ۱۳۹۱/۶/۱۴). مأموران ساواک، با حسن و حسین ناصری به گونه دیگری برخورد کردند؛ از آنان خواستند اخبار جلسات کانون جوانان اسلامی را در اختیارشان بگذارد، آنان برای رهایی قول مساعد دادند؛ ولی از انجام چنین کاری خودداری کردند (حسن ناصری، ۱۳۹۱/۷/۳).

انجمن حجتیه بروجن

انجمن حجتیه در اواخر دهه ۱۳۴۰ در بروجن تشکیل شد. هدف آنها تبلیغ بر ضد بهایی و ترویج عقاید اسلامی بود. جلسات انجمن در منازل اعضا برگزار می‌شد که در جلساتشان علاوه بر قرائت دعای ندبه، پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان (عج) و پخش جزوه پیرامون بهائیت صورت می‌گرفت. اعضای انجمن، برای ایام نیمه شعبان و بزرگداشت آن اهمیت زیادی قائل بودند (نصیر فیاضی، ۱۳۹۱/۶/۲۵) و با انجمن حجتیه اصفهان ارتباط بسیار نزدیکی داشتند؛ از جمله اقدامات این انجمن دعوت از اعضای انجمن حجتیه اصفهان مانند علی اکبر پرورش، محمدعلی مصحف، علی-اکبر اژه‌ای، مهدی اقارب‌پرست، محمد امامی، بانو مجتهد سید نصرت بیگم امین، ربابه قانتیان، پروانه معینی و اشرف مدنیان برای سخنرانی در جلسات انجمن بود. آنها علاوه بر فعالیت‌های مذهبی خدمات دیگری نیز از جمله ایجاد دارالایتم و تأسیس صندوق قرض‌الحسنه انجام می‌دادند (مصاحبه با احمد افضلی، ۱۳۹۱/۷/۲)^۱. انجمن حجتیه بروجن اساساً ماهیت مذهبی داشت و صرفاً در جهت تبلیغ و ترویج عقاید اسلامی و مبارزه با بهائیت فعالیت داشت. آنها برخلاف اساسنامه

۱. برای آگاهی بیشتر بنگرید: انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحل و بختیاری، ص ۲۰۰.

انجمن حجتیه که پرهیز از هرگونه فعالیت سیاسی مهم‌ترین دستورالعمل انجمن بود، از مهره‌های فعال انقلاب بودند (قربانعلی حجتی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

کانون جوانان اسلامی بروجن

گروهی از جوانان بروجن، در اواخر دهه ۱۳۴۰ با هدف انس بیشتر با قرآن و ارتقای شناخت خود از دین اسلام تشکل دینی به نام «کانون جوانان اسلامی» تشکیل دادند؛ هم‌زمان با تغییر و تحولات سیاسی کشور به مکانی برای تربیت نیروهای انقلابی تبدیل شد که تأثیر زیادی در افزایش آگاهی و ایجاد روحیه انقلابی مردم به‌ویژه جوانان بروجنی داشت. مسئولان کانون (ابراهیم منصوری، شیخ حسن ناصری، قربانعلی حجتی، محمدحسین خرم، امیرحسن غلامی، سیدخلیل اسحاقی، مهدیقلی طیبی و...)، افزون‌بر برنامه آموزشی، فعالیت‌های خود را در جهت تقابل با رژیم سوق دادند. ریاست کانون را ابراهیم منصوری بر عهده داشت (ابراهیم منصوری، ۱۳۹۱/۶/۱۷).

مخالفت با ساخت سینما در بروجن

سینما از کارآمدترین ابزار انتقال فرهنگ بود که بسته به اهداف متولیان، می‌توانست هم نقش مثبت و هم نقش منفی داشته باشد. در اوایل دهه ۱۳۵۰ آقای اسکندری که اصالتاً خوزستانی بود، قصد داشت تا با استفاده از تسهیلاتی که فرح پهلوی به این امور اختصاص داده بود در بروجن سینما تأسیس کند. سید محمد متقی با انتشار اعلامیه‌ای در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۶ باعث تحریک مردم شد (خلیل اسحاقی، ۱۳۹۱/۷/۲۸). همچنین، در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۱۳ در نامه‌ای به شهربانی نوشت سینما باعث ایجاد فساد به‌ویژه در میان جوانان می‌شود؛ لذا مردم انتظار دارند به این موضوع رسیدگی شود. کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی شهرستان بروجن، در تاریخ ۱۳۵۰/۲/۲۹ ضمن بررسی سوابق نامبرده، اعلام کرد ایشان قصد مختل ساختن نظم و امنیت عمومی را دارد و او را به سه سال اقامت اجباری در شهرستان گنبد کاووس محکوم کرد. بدین ترتیب، سینما در بروجن تأسیس شد (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی ۳۶۷۶). تأسیس سینما با تنش‌هایی همراه بود و هیچ‌گاه رونق چندانی نگرفت.

نقش و نحوه حضور روحانیون در بروجن

روحانیون از متنفذترین اقشار در جامعه ایران هستند که از دیرباز در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران نقش داشته‌اند. روحانیون بومی بروجن در دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ در بروجن عبارت‌اند از: سیدمحمد متقی، سیدضیاءالدین مدنی، سیدمحمد مدنی، علی نوایی، احمد بنایی، سیداحمد حائری، محمدکاظم شریعت، احمد فاضلیان. سیدمحمد متقی تا پیروزی انقلاب هیچ‌گونه دخالتی در سیاست نداشت؛ شاید اقامت اجباری ایشان در گنبد کاووس باعث شد تا در مسائل انقلاب وارد نشود (محمدرضا پیراسته، ۱۳۹۱/۷/۲۸). سید ضیاء مدنی در جریان پیروزی انقلاب در تظاهرات در کنار مردم قرار داشت؛ ولی به علت کهولت سن نمی‌توانست رهبری مردم را در دست گیرد (محمد مدنی، ۱۳۹۱/۷/۲۷).

شایان ذکر است، روحانیون بروجنی دیگری نیز از جمله سیدمحمد مدنی و محمود بنایی و علی نوایی بودند که در این زمان به‌طور دائم در بروجن حضور نداشتند. احمد حائری، محمدکاظم شریعت و احمد فاضلیان از روحانیونی بودند که در شهر امور دفترداری را برعهده داشتند. آنها به اقامه جماعت نپرداخته و هیچ‌گاه در مسائل انقلاب وارد نشدند (حسن ناصری، ۱۳۹۱/۷/۳).

نبود روحانیونی فعال در امور سیاسی ساکن در بروجن، وجود تعداد زیادی مسجد و حسینیه که در ماه محرم و صفر خواهان حضور روحانیون بودند و وجود خانواده‌هایی که در طول ماه محرم و صفر مراسم روضه در منازل خود برگزار می‌کردند، باعث شد تا مردم بروجن روحانیون را از قم و دیگر شهرها به این شهر دعوت کنند (آیت بنایی، ۱۳۹۱/۶/۱۴). حضور روحانیون مدعو در بروجن بر روند انقلابی شدن مردم تأثیر بسیار داشت. مهم‌ترین نقش آنان عبارت بود از: آگاه کردن مردم از مطالب و مفاسد خاندان پهلوی، آگاه کردن مردم از حرکت‌های مردمی در سایر شهرهای کشور در مخالفت با رژیم، اطمینان بخشیدن به مردم از متزلزل شدن رژیم پهلوی. موارد فوق باعث می‌شد ترس و وحشت مردم از ساواک و رژیم پهلوی به تدریج از بین برود (محمدحسین خرم، ۱۳۹۱/۷/۳).

از جمله روحانیونی که در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ برای روشنگری و تبلیغ به بروجن وارد شدند می‌توان به آقایان: محمد یزدی، ناصر مکارم شیرازی، حسین نوری، محمدعلی

انصاری، احمد سالک، محمدعلی گرامی، صالح طاهری خرم‌آبادی، حسن کرمانی، علی‌اصغر آل-اسحاق، مهدی کروی، جلال طاهری اصفهانی، احمد جنتی، ابوالقاسم رئیسی، حشمت علوی، علی‌اکبر منتهایی، محقق، محمدتقی بشارت، خسرو گل‌سرخ، مسلم صاحبی، محسن ترابی، محمدتقی شاهرخی، علی ممدوحی، احمد مروی و علی‌اکبر مسعودی اشاره کرد (خلیل اسحاقی، ۱۳۹۱/۶/۲۸).

۲. تحولات انقلاب در بروجن

تأثیر اندیشه‌های دکتر شریعتی در ایجاد روحیه انقلابی

رویدادهای تاریخ معاصر ایران طی دو دهه پیش از انقلاب سال ۱۳۵۷ را نمی‌توان به درستی تحلیل کرد؛ مگر اینکه از شریعتی به‌عنوان یک اندیشمند برجسته سیاسی-مذهبی یاد کرد. شریعتی از سال ۱۳۴۴ در حسینیه ارشاد یک سلسله سخنرانی پیرامون اسلام‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخ اسلامی ایراد کرد. سخنرانی‌های وی با استقبال وسیع جوانان و دانشجویان روبه‌رو شد. در مرداد ۱۳۵۲ ساواک که از نفوذ کلام و افکار انقلابی شریعتی در میان نسل جوان نگران شده بود، حسینیه ارشاد را بست و نشر و توزیع کتاب‌های او را ممنوع کرد (نجاتی، ۱۳۹۰: ۴۵۹).

اندیشه‌ها و سخنان شریعتی پاسخی به نیازهای زمان بود؛ اندیشه‌های وی، اندیشه‌های پویایی بود که حرکت‌های خودجوش را به دنبال داشت. دانشجویان بروجنی در پخش و توزیع کتاب‌ها و به‌ویژه نوارهای دکتر شریعتی نقش بسیار مهمی داشتند. به‌رغم مخالفت رژیم با اندیشه‌های دکتر شریعتی و ممنوعیت مطالعه آثار ایشان، کتاب‌ها و نوارهای ایشان در محافل مذهبی بروجن از جمله کانون جوانان اسلامی دست‌به‌دست افراد می‌گشت و محرک انقلابیون بود. دانش‌آموزان بروجنی چنان تحت تأثیر اندیشه‌های ایشان قرار گرفته بودند که در آذرماه نام مدرسه خود (خشایار) را به دبیرستان علی شریعتی تغییر دادند. آثار ایشان، یکی از پرفروش‌ترین محصولات فرهنگی عرضه‌شده در نمایشگاه کانون جوانان و جامعه معلمان بود. مردم در تظاهرات پلاکاردهایی با عکس و سخنان دکتر شریعتی حمل می‌کردند و حتی در شعارهایشان نیز تأثیر اندیشه‌های وی به چشم می‌خورد (احسان الله پیکار، ۱۳۹۱/۸/۲۷).

درگذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی

با درگذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی در اول آبان ۱۳۵۶ مجلس ترجیمی در شهر بروجن از طرف کانون جوانان اسلامی شبانه با دعوت شصت نفر در منزل قربانعلی حجتی برگزار شد (حسین ناصری، ۱۳۹۱/۷/۲). در این جلسه ضمن قرائت قرآن، محمدتقی بشارت در سخنرانی خود به تهییج مردم و تقویت روحیه پایداری و معرفی شخصیت حاج آقا مصطفی خمینی پرداخت. گفته شده است، تدابیر خاصی برای ورود شرکت کنندگان در این مراسم در نظر گرفته شده بود (قربانعلی حجتی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

نخستین اعتراض

یکی از اقدامات اعضای کانون جوانان اسلامی (احمد بنایی و قربانعلی حجتی) در سال ۱۳۵۶، آتش زدن شبانه تنها مغازه مشروبفروشی بروجن بود. این اقدام را می توان از اولین جرقه های اعلام مخالفت مردم با سیاست های رژیم دانست (حسینقلی بنایی، ۱۳۹۱/۶/۱۴). از دیگر اقدامات اساسی در نیمه اول سال ۱۳۵۷، چگونگی توزیع اعلامیه ها بود که معمولاً جوانان بروجنی به شیوه های مختلف انجام می دادند.

سرآغاز فعالیت های انقلابی مردم بروجن ماه رمضان سال ۱۳۵۷ است. در این ماه فعالیت های پنهانی نیروهای مذهبی باعث شد تا در یکی از شب ها نیروهای شهربانی و ژاندارمری وارد مسجد اردوبار شوند و به تفحص بپردازند. آنها شنیده بودند که نیروهای مذهبی در مسجد سلاح ذخیره کرده اند (محمد رضا فیاضی، ۱۳۹۱/۸/۳). همزمان با نزدیک شدن عید فطر خبر به نیروهای انقلابی رسید که آیت الله خمینی از مردم خواسته است نماز عید فطر امسال را به صورتی برگزار کنند که تجلی وحدت بین همه اقشار جامعه، روحانیون و انقلابیون باشد. با تلاش هایی که نیروهای مذهبی با هماهنگی با سید محمد مدنی انجام دادند، نماز عید فطر در یک مکان برگزار شد. نماز عید را سید محمد متقی اقامه و سید محمد مدنی خطبه های نماز را ایراد کرد. سپس عباس پیکار (از اعضای کانون جوانان اسلامی) اعلامیه ای چهارده بندی را قرائت کرد که در آن آزادی زندانیان سیاسی، الغای مجلس ملی و سنا، تشکیل حکومت اسلامی و بازگشت آیت الله خمینی به کشور خواسته شده بود (محمد حسین خرم، ۱۳۹۱/۷/۳)؛ در حالی که مردم به سمت خانه هایشان مراجعت می -

کردند، تعدادی از نیروهای مذهبی مبادرت به شعار دادن بر ضد رژیم کردند. نمازگزاران وحشت‌زده به سرعت محل را ترک کردند. در مقابل حسینیه ولیعصر، اعلامیه‌هایی از آیت‌الله خمینی در میان مردم پخش شد. نیروهای شهربانی و ژاندارمری در چهارراه سعدی با تیراندازی هوایی، تظاهرکنندگان را متفرق کردند (حسن نصری، ۱۳۹۱/۶/۱۵). ساواک اسامی تظاهرکنندگان را چنین گزارش کرده است: رسول مدنی، مجتبی مدنی، حمزه‌علی نیکخواه، قباد شایق، آیت بنایی، رحمت‌الله قدمی‌زاده، محمد فروغی، حیدرعلی نجفیان، مهدی طیبی، محسن برجیان، حجت‌الله خلیل‌زاده، حیدرعلی زمانی، نظرعلی زمانی، جهانگیر سعیدی، فرهاد نیکخواه، ایرج نیکخواه، عباس سعیدی، راه‌خدا قریب‌شاهی، امیر میرنژاد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روز شمار چهار محال و بختیاری، ۱۳۸۸، ۲۹۸). چهار روز پس از عید فطر یکی از نقاط عطف تاریخ انقلاب اسلامی، یعنی کشتار تظاهرکنندگان در ۱۷ شهریور در میدان ژاله تهران به وقوع پیوست. چند روز پس از آن بازاریان بروجن برای محکوم کردن این اقدام رژیم، به تبعیت از بازاریان شهرهای هم‌جوار اصفهان و شهرضا به تعطیلی یک‌روزه مغازه‌های خود اقدام کردند و بدین وسیله نفرت خود را از اعمال رژیم ابراز کردند (پیشین، ۳۰۷).

بازگشایی مدارس و آغاز تظاهرات

از انقلابیون تا نیمه دوم مهرماه به‌جز اعتصاب یک‌روزه بازاریان حرکتی در جهت ادامه و پیگیری مخالفت با رژیم دیده نمی‌شود. بازگشایی مدارس به‌طور ناخودآگاه کانون جدیدی برای تغذیه انسانی تظاهرات فراهم ساخت. با بازگشایی مدارس، معلمان انقلابی مستقیماً یا غیرمستقیم دانش‌آموزان را در جریان حوادث قرار دادند و از آنان خواستند که همانند سایر شهرها تظاهرات کنند؛ چنانکه طبق گزارش ساواک، حمزه‌علی نیکخواه از دانش‌آموزان دبیرستان شهاب می‌خواهد که تظاهرات را شروع کنند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۲). در اوایل مهرماه دانش‌آموزان دبیرستان پسرانه خشایار آغازگر تظاهرات پیوسته در شهر بروجن شدند. آنان حرکت‌های اعتراضی خود را در مقابل نگاه‌های وحشت‌زده مردم آغاز کردند. برخی از مردم از نزدیک شدن به آنها واهمه داشتند. این حرکت به سایر مدارس شهر (دبیرستان ژاله، راهنمایی ماندانا، شهاب) نیز کشیده شد. آنها هم تحت تأثیر جو موجود، حرکات اعتراضی خود را شروع کردند؛ اگرچه در روزهای اول با

برخورد شدید مدیر مدارس روبه‌رو شدند، اعتراضات آنها تا تعطیلی مدارس ادامه یافت (رویا غلامی، ۱۳۹۱/۶/۲۲).

شایان ذکر است در نیمه‌های مهرماه ساواک بروجن به دلایل نامعلوم به شهرکرد منتقل شد و مأموریت آن به ضد اطلاعات شهربانی سپرده شد (عباس پیکار ۱۳۹۱/۹/۲۹).

گسترش روزافزون اعتراضات و تظاهرات

در آبان‌ماه معلمان ضمن برگزاری هفتگی جلسات خود تظاهراتی را بر ضد رژیم انجام دادند. براساس گزارش ساواک، در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۵ جلسه معلمان انقلابی در سالن دبیرستان شهاب برگزار شد. ایرج الیاسی خواهان ۵ دقیقه سکوت برای کشته‌شدگان حوادث اخیر شد. همچنین، آنها خواستار پشتیبانی از آیت‌الله خمینی و مداخله نکردن مأموران در کار تظاهرکنندگان شدند (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک روزشمار چهارمحل و بختیاری، ۱۳۸۸: ۳۶۲). تظاهرات دانش‌آموزان و معلمان در آبان به یک امر عادی و روزانه تبدیل شد. آنها در این ماه چنان جسارتی پیدا کردند که در مدارس عکس شاه و خانواده‌اش را پایین آوردند و عکس امام خمینی را جایگزین آن کردند و تابلوی برخی از ادارات را که نام خاندان پهلوی داشت، شکستند، مردم نیز به تدریج با آنها در تظاهرات همراه شدند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۳).

در این ماه مردم در تظاهرات با خود پارچه‌نوشته‌هایی را حمل می‌کردند که با توجه به حضور دو طیف مذهبیون و کمونیسم‌ها در تظاهرات، به احتمال زیاد مضامین پارچه‌نوشته‌ها نیز با اندیشه‌های آنها همخوانی داشت. بعد از حادثه ۱۳ آبان که طی آن جمع زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان تظاهرکننده در دانشگاه تهران، توسط نیروهای نظامی به شهادت رسیدند پخش صحنه‌هایی از این حادثه در تلویزیون احساسات مردم را برانگیخت. در روز ۱۵ آبان تمامی دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه به رهبری معلمان انقلابی وارد مدرسه ماندانا شدند. پس از سخنرانی حمزه‌علی نیکخواه با حرکت به سمت میدان یادبود تظاهرات را آغاز کردند (حمزه‌علی نیکخواه، ۱۳۹۱/۸/۶). بازاریان و سایر اقشار مردم نیز به جمع آنها پیوستند؛ حتی برخی از کارمندان دولتی

رده‌بالا، از جمله رئیس دادگستری و فرماندار نیز با تظاهرکنندگان همراه شدند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۴).

تحت تأثیر جو موجود دانشجویان دانشسرا که تاکنون هیچ گونه حرکت اعتراضی نداشتند، در ۱۶ آبان در دانشسرا دست به اعتصاب زدند و سپس به صورت دسته جمعی تظاهراتی را آغاز کردند (محمدتقی طاهری، ۱۳۹۱/۱۲/۱) معلمان بر طبق فراخون کانون معلمان تهران، تصمیم گرفتند در حمایت از آیت الله خمینی راهپیمایی برگزار کنند. به‌رغم اینکه شهربانی اعلام کرده بود برای برگزاری تظاهرات مجوز خواهد داد، به معلمان چنین مجوزی داده نشد؛ ولی موافقت کرد راهپیمایی بدون شعار انجام شود. در خاتمه راهپیمایی بیژن برجیان سخنرانی و غلام اصغریان اعلامیه‌ای قرائت کرد. دانش‌آموزان در دهه‌ی سوم آبان‌ماه از رفتن به سر کلاس‌ها خودداری کردند و در حیاط مدرسه به شعار دادن بر ضد رژیم پرداختند تا جایی که در برخی روزها، شهربانی برای ساکت کردن آنها نیرو به جلو دبیرستان‌ها فرستاد؛ ولی آنها بی‌اعتنا به حضور نیروهای شهربانی به حرکت‌های اعتراضی خود ادامه دادند (مصطفی توفیقی، ۱۳۹۱/۸/۵).

معلمان در آخرین روزهای آبان با برگزاری جلساتی درصدد انجام اعتصاب برآمدند. به‌رغم تنش‌هایی که میان معلمان مخالف و موافق رژیم بر سر جعلی نبودن اعلامیه‌ها و تعطیلی مدارس به وجود آمد، سرانجام در تاریخ ۳۰ آبان آغاز اعتصاب و تعطیلی مدارس اعلام شد. همچنین، تصمیماتی پیرامون وظایف معلمان در طول اعتصاب، تکلیف سایر معلمان در صورت دستگیری همکارانشان گرفته شد (رجوع شود به ضمایم شماره ۵ و ۶).

نیروهای مذهبی و بازاریان بروجن، هم‌زمان با فرارسیدن ماه محرم در دهه‌ی اول آذرماه، به دلیل نبود روحانی فعال در شهر، به دفتر آیت‌الله پسندیده در قم رفتند و موضوع را مطرح کردند. ایشان محمد نقی شاهرخی را همراه آنان به بروجن فرستاد. از اوایل آذرماه، مردم بروجن در شهر از یک مرجع فکری (رهبر سیاسی - مذهبی) بهره‌مند شدند. تظاهرات مردم بروجن در این ماه به اوج خود رسید (آیت بنایی، ۱۳۹۱/۷/۱۴). با تعطیلی مدارس و آزاد شدن دانش‌آموزان، تظاهرات در دو نوبت صبح و بعدازظهر در شهر انجام شد. با وجود تعطیلی مدارس، برخی از معلمان مخالف اعتصاب، به مدارس مراجعه کردند. پس از چند روز، نژادپاک، رئیس آموزش و پرورش، مدیران مدارس را فراخواند و با ذکر این نکته که دانش‌آموزان سرگردانند خواستار بازگشایی مدارس -

شد؛ از این رو، برخی از مدیران مدارس را باز کردند و تعدادی از معلمان هم در مدارس حاضر - شدند. این امر باعث شد تا برخی از معلمان انقلابی، نامه‌های تهدیدآمیزی خطاب به مدیران مدارس ارسال کنند. در این میان برخی مدیران نامه‌های مذکور را به اداره آموزش و پرورش برده و از بازگشایی مدارس خودداری کردند (ناصر مسعودی، ۱۳۹۱/۶/۲۵) همچنین، معلمان در اولین جلسات خود در آذر ضمن اعلام پشتیبانی و همبستگی کامل با جنبش ملت ایران، اعلامیه‌ای صادر کردند (رجوع شود به ضمیمه‌ی شماره ۷).

تاسوعا و عاشورای حسینی در بروجن

با درایت آیت‌الله شاهرخی و همکاری سرهنگ گلگونی (رئیس شهربانی) و جعفرقلی رستمی (فرماندار) که تصمیمات نیروهای نظامی شهر در اختیار انقلابیون گذاشتند، باعث شد کمترین درگیری میان مردم و نیروهای نظامی شهر به وجود آید. راهپیمایی تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۵۷ در شهر بروجن از لحاظ عظمت، انضباط و یکپارچگی بی‌سابقه بود. در روز عاشورا به دستور شاهرخی همه هیئت‌ها متحد شدند و در مقابل حسینیه کاروان تجمع و از آنجا حرکت خود را آغاز کردند. نوحه‌ها و شعارهای انقلابی جایگزین نوحه‌های مذهبی شد. در پایان تظاهرات نیروهای انقلابی لوح یادبود را کردند و عزاداری این روز بدون درگیری با سخنرانی شاهرخی در حسینیه ولیعصر به پایان رسید (آیت بنایی، ۱۳۹۱/۷/۱۴).

اولین شهید بروجن

در یازدهم محرم، نیروهای انقلابی پس از آگاهی از تصمیم رژیم برای برگزاری مراسم جاوید شاه کوشیدند از این حرکت جلوگیری کنند. پس از سخنرانی شاهرخی در حسینیه کاروان، مردم تظاهرات را شروع کردند. مردم با شعار دادن به سمت فلکه یادبود رفتند. نیروهای شهربانی و ژاندارمری برای متفرق کردن آنها تیراندازی هوایی کردند. تعدادی از تظاهرکنندگان به مهمانسرای کسری پناه بردند، نیروهای شهربانی هم به دنبال آنها وارد مهمانسرا شدند و با باطوم بر سر خسرو سلیمی (که در مهمانسرا مشغول خوردن شام بود) زدند و ایشان به شهادت رسیدند (کبری پیردهقان، ۱۳۹۱/۸/۴). حمزه‌علی نیکخواه در مراسم خاک‌سپاری این شهید در ناغان

سخنرانی کرد و اولین جرعه‌های حرکت‌های اعتراضی در این روستا از این زمان آغاز شد (ابراهیم اشراقیان، ۱۳۹۱/۷/۱۳).

اعتصاب بازاریان

در اواسط آذرماه، بازاریان تصمیم به اعتصاب گرفتند و مغازه‌های خود را تعطیل کردند (کیهان ۱۷ بهمن ۵۷: ص ۷). براساس پیشنهاد برخی از معلمان، بازاریان برای رفاه حال مردم فروشگاه‌هایی را در سطح شهر دایر کردند. در جلسه‌ای که با حضور بازاریان از جمله علی‌اصغر برجیان، احمد شیروانی، علیرضا ولیان، علی نیلیه، امیرحسین غلامی، نصیر فیاضی، هادی درخشان و محمدحسین آرامش در منزل احمد شیروانی برگزار شد، بازاریان سرمایه تشکیل این فروشگاه‌ها را فراهم کردند. سه تن از بازاریان مغازه‌های خود را در اختیار این فروشگاه‌ها قرار دادند. فروشگاه‌ها در محلات ۴۰۰ دستگاه، دانشسرا و خیابان حافظ دایر شد. مسئولان خرید این فروشگاه‌ها به اصفهان می‌رفتند و اجناس را خریداری می‌کردند. کار توزیع اجناس در فروشگاه‌ها را معلمان و دانش‌آموزان بر عهده گرفتند (محمدحسین آرامش، ۱۳۹۱/۷/۲۰).

تخریب مهمانسرای بروجن

در فضای انقلابی، نیروهای انقلابی به اموال مردم صدمه‌ای وارد نکردند، جز یک مورد که آنها در آن نقشی نداشتند. در تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۱۰ پس از سخنرانی مهیج حجت‌الاسلام محمد احمدی در حسینیه کاروان در شهر تظاهراتی برپا شد، تظاهرکنندگان به سمت فلکه یادبود رفتند. ناگهان در میان جمعیت همهمه افتاد که مهمانسرا را آتش بزنید. مردم بروجن به مهمانسرا دید خوبی نداشتند؛ زیرا در آنجا از مسئولان کشوری پذیرایی و مشروب سرو می‌شد. از سوی دیگر، در پشت این مهمانسرا ساختمانی در حال ساخت بود که شایع بود ساختمان ساواک است. حمزه‌علی نیکخواه سعی کرد مردم را از این کار منصرف کند؛ اما حدود هفتاد نفر به مهمانسرا وارد شدند و به تخریب اموال آن پرداختند (رجوع شود به ضمیمه شماره ۸). کارمندان مهمانسرا با تلفن به شهربانی از آنها کمک خواستند؛ با حضور نیروهای شهربانی، تظاهرکنندگان متواری شدند و فقط تعدادی دانش‌آموز توسط نیروهای شهربانی دستگیر شدند. دانش‌آموزان یک شب را در ژاندارمری به‌سر

بردند و فردای آن روز با تحصن مردم در جلوی دادگستری بروجن آزاد شدند (سعید غلامی، ۱۳۹۱/۹/۶).

برپایی نمایشگاه‌های کتاب و عکس

در دی ۵۷ نیروهای انقلابی افزون بر تظاهرات روزانه، دو نمایشگاه کتاب در بروجن برگزار کردند. محصولات این نمایشگاه را دانشجویان بروجنی که در تهران و اصفهان مشغول به تحصیل بودند، از جمله غلام اصغریان، آیت‌الله احمدی، اردشیر عروجی، حیدرعلی مرادی، غلامرضا آذریان فراهم کردند. اولین نمایشگاه در اوایل دی‌ماه از طرف کانون جوانان اسلامی در حسینیه سالار شهیدان و دومین نمایشگاه در اواخر دی‌ماه و از طرف نیروهای مذهبی برپا شد؛ نمایشگاه دوم به دلیل خروج شاه در ۲۶ دی، محدودیت کمتری در آن اعمال شد (ابراهیم منصوری، ۱۳۹۱/۶/۱۷). نمایشگاه‌ها بخش‌هایی، مانند کاریکاتور، کتاب‌های ممنوعه، کتاب‌های عمومی، عکس و نوار داشتند. از جمله کتاب‌هایی که در این نمایشگاه عرضه شد، می‌توان به آثار دکتر شریعتی، مرتضی مطهری، بازرگان، احمد آرام، امام خمینی، جلال‌الدین فارسی، بنی‌صدر (کتاب-هایی چون خسی در میقات، سرگذشت رضایی‌ها، مانیفست مجاهدین، فریاد خلق، ولایت‌فقیه، کیش شخصیت) اشاره کرد. همچنین، در این نمایشگاه عکس شهدای قم، شهدای ۱۷ شهریور، شهدای تبریز، یزد به نمایش گذاشته شد (محمدتقی طاهری، ۱۳۹۱/۱۲/۱).

پایین کشیدن مجسمه شاه در ۲۶ دی‌ماه

در ماه محرم، نیروهای انقلابی چندین مرتبه موضوع پایین کشیدن مجسمه شاه را با آقای شاهرخی در میان گذاشتند؛ ایشان معتقد بود که هنوز زمان آن فرا نرسیده است. در شب ۲۵ آذر، ایشان به نیروهای انقلابی اطلاع داد اکنون بهترین فرصت برای پایین کشیدن مجسمه شاه است. فردا بعد از نماز ظهر نیروهای انقلابی، برای پایین کشیدن مجسمه از سمت مسجد حاج کرامت حرکت کردند. با نزدیک شدن مردم به میدان مجسمه، نیروها شهربانی و ژاندارمری متوجه شدند که مردم چنین قصدی دارند؛ از آقای شاهرخی خواستند از مردم بخواهد که به سمت مجسمه شاه نروند. در ضمن هشدار دادند اگر مردم بخواهند به مجسمه آسیبی برسانند آنان را به رگبار خواهند بست.

با وجود این، شاهرخی مشغول سخنرانی شد و نیروهای انقلابی مجسمه را پایین کشیدند (محمدنقی شاهرخی، ۱۳۹۱/۹/۱۱).

تظاهرات گسترده مردم در اربعین حسینی

با خروج شاه شرایط برای برپایی تظاهرات بیش از پیش مهیا شد. نیروهای انقلابی و نیروهای مذهبی، به ویژه اعضای کانون جوانان اسلامی و جامعه معلمان به دنبال برنامه ریزی برای برگزاری مراسم اربعین سالار شهیدان (ع)، نهایت تلاش خود را کردند. جامعه معلمان بروجن به همین مناسبت اعلامیه‌ای صادر کرد (رجوع شود به ضمیمه شماره ۹). در راهپیمایی عظیم و تاریخی روز اربعین مصادف با روز جمعه ۲۹ دی ماه ۱۳۵۷، مردم بروجن بار دیگر نفرت خود را از رژیم و حمایت خود را از برپایی حکومت اسلامی و رهبری آیت‌الله خمینی اعلام کردند. نوحه‌خوانی و عزاداری جای خود را به شعارهای انقلابی داد و حضور گسترده تمامی اقشار شهر در این تظاهرات نیروهای انقلابی را به اتخاذ تدابیر امنیتی واداشت (ابراهیم منصوری، ۱۳۹۱/۶/۱۷).

شعارهای انقلاب در بروجن

تصاویر برجای مانده از تظاهرات مردم در سال ۱۳۵۷، حکایت از آن دارد که مردم پارچه‌نوشته‌ها و پلاکاردهایی زیادی را حمل می‌کردند. عکس‌ها از حضور گسترده مردم شهر بروجن در تظاهرات بر ضد رژیم شاهنشاهی حکایت دارد. جملاتی که بر روی پارچه‌نوشته‌ها و پلاکاردها نوشته شده بیشتر درون‌مایه مذهبی دارند. جملات و شعارهایی همچون:

محرم ماهی است که خون بر شمشیر پیروز می‌شود؛
 کل ارض کربلا و کل یوم عاشورا؛
 یا قائم آل محمد سریر عدالت در انتظار توست؛
 این طبیعی است که حق و حقیقت همیشه پیروز است؛
 درود و صلوات خدای بزرگ بر روان شهدای حق؛
 نصر من الله و فتح قریب؛
 ما هرگز تسلیم زورگویی‌های شاه نمی‌شویم؛

مستحکم باد پیوند مسجد و بازار و دانشگاه؛
استقلال آزادی جمهوری اسلامی؛
زندگی مقید آداب پیکار دارد؛
شریعتی رهبر فکری جامعه است؛
سرنگون باد حکومت امپریالیستی کمونیستی شاه جلاد؛
لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ؛
ما خواهان خمینی هستیم؛
إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ.

تشکیل کمیته حفاظت از شهر

امام خمینی بعد از خروج شاه از کشور در جمع خبرنگاران در نوفل لوشاتو از ملت خواستند که خودشان مواظب نظم مملکت باشند و جوانان غیور کنترل شهرستانها و دیهها و قوا را به دست گیرند (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۵: ۴۸۴ و ۴۸۵). این پیام باعث شد کمیته‌هایی خودجوش در بروجن، همانند سایر شهرهای کشور ایجاد شود. اولین کمیته را مهدی فیاضی در مغازه ایرج درویش‌زاده، واقع در خیابان انوشیروان تشکیل داد و سپس در مسجد سایر محله‌های شهر شعبه‌هایی ایجاد شد. افراد داوطلب برای حفاظت و پاسداری از شهر در این کمیته‌ها ثبت‌نام کردند و کنترل شهر را به دست گرفتند. از دیگر کمیته‌های خودجوش می‌توان به کمیته بازاریان و توزیع‌کنندگان نفت اشاره کرد. کمیته بازاریان به صورت مخفیانه به خانواده‌های نیازمند کمک می‌رساندند. کمیته توزیع‌کنندگان نفت، مسئولیت توزیع نفت را در شهر برعهده داشتند (مهدی فیاضی، ۱۳۹۱/۱۲/۱).

ادامه فعالیت‌های معلمان بروجن

روزهای اول بهمن‌ماه، گروهی معلمان با همکاری دانشجویان برای مردم عادی، نظامیان و مردم روستاهای اطراف فیلم نمایش گذاشتند. این فیلم از چندین اسلاید تشکیل شده بود که سیر روند حوادث انقلاب را نشان می‌داد. فیلم با تبعید امام از سال ۱۳۴۲ آغاز و به فرار شاه ختم می‌شد. فیلم مذکور را دانشجویان از تهران آورده بودند. اسلایدها را مسعود نصری، حسینقلی آذریان، احسان-

الله پیکار و بهمن قاسم نژاد روایت می‌کرد. پخش این فیلم در بین مردم تأثیر زیادی گذاشت؛ به گونه‌ای که پس از پایان فیلم در شهر تظاهراتی برپا شد. معلمان، این فیلم را در مناطق مختلف شهرستان بروجن به نمایش گذاشتند (احسان الله پیکار، ۱۳۹۱/۸/۲۷). در این فیلم عکس شهدای شهرهای مختلف همچنین فجایعی که رژیم در شهرهای مختلف بر سر مردم بی‌گناه آورده بود، شکنجه‌های رژیم بر سر روحانیون، آباد کردن قبرستان‌ها، ویرانی شهرها، تصویر حلبی‌آبادهای اطراف تهران و کاخ‌های شاه نشان داده می‌شد. سیر این فیلم به گونه‌ای بود که ابهت شاه را می‌شکست و او را به سگ زنجیری آمریکا تبدیل می‌کرد. بنا بر درخواست فرهنگیان فیلم در مسجد، برای عموم به نمایش گذاشته شد (ناصر مسعودی، ۱۳۹۱/۹/۲۰).

۱۲ بهمن‌ماه ورود امام خمینی به ایران

زمانی که اعلام شد آیت‌الله خمینی پنجم بهمن‌ماه به ایران باز خواهد گشت، برخی از نیروهای انقلابی از جمله آیت بنایی، مسعود ناصری به سمت تهران حرکت کردند که با به تعویق افتادن بازگشت امام به بروجن بازگشتند؛ البته برخی از افراد در قم ماندند. آیت بنایی در ستاد استقبال امام مشغول فعالیت شد (خلیل اسحاقی، ۱۳۹۱/۷/۲۸). شب قبل از ورود امام به ایران از تلویزیون اعلام شد که لحظه ورود امام به ایران پخش خواهد شد. کسانی که تلویزیون نداشتند به سالن اجتماعات دبیرستان شهاب رفتند و از آنجا تصاویر ورود امام را تماشا کردند؛ البته تلویزیون تصاویر ورود امام تا پایین آمدن ایشان از هواپیما را نشان داد، ناگهان تصویر تلویزیون قطع شد. حاضران احتمال دادند که به امام حمله شده باشد، همه نگران بودند؛ بعد خبرهایی رسید که امام سالم است. مردم به پخش شیرینی در شهر پرداختند (ناصر مسعودی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

پیوستن نیروهای شهربانی و ژاندارمری به مردم

نیروهای شهربانی و ژاندارمری در ۱۲ بهمن هم‌زمان با ورود امام به ایران در تظاهرات با مردم همراه شدند و همبستگی خود را با انقلاب اعلام کردند. عده‌ای از تظاهرکنندگان اعتراض کردند که حضور نیروهای شهربانی و ژاندارمری در تظاهرات پذیرفتنی نیست. اگر آنها واقعاً به انقلاب پیوسته‌اند، سلاح‌های شهربانی و ژاندارمری را به مردم تحویل بدهند. حمزه‌علی نیکخواه به‌دلیل

مسائل امنیتی مانع آنها شد (حسن ناصری، ۱۳۹۱/۶/۱۵). چند روز بعد مردم پس از پایان تظاهرات درحالی که گل در دست داشتند، همراه با آقای شاهرخی وارد شهربانی شدند و شاخه‌های گل به آنها دادند و علی‌اکبر منتهایی سخنرانی کرد (سعید غلامی، ۱۳۹۱/۹/۶). در روز بعد در پایان تظاهرات مردم به سمت ژاندارمری حرکت و پرچم جمهوری اسلامی را بر بالای دکل ژاندارمری نصب کردند و نیروهای ژاندارمری را بر دوش گرفتند و حجت‌الاسلام حسینی‌نیا و حمزه‌علی نیکخواه سخنرانی کردند (حمزه‌علی نیکخواه، ۱۳۹۱/۶/۲۴).

در ۱۸ بهمن پنج دستگاه اتوبوس از بروجن، روستای نقنه و گندمان برای دیدار با امام و اعلام حمایت از ایشان و بیزاری از شاپور بختیار به تهران مسافرت کردند. هم‌زمان با نخست‌وزیری بختیار در میان مردم بروجن شایع شد که او اعلام کرده است بختیاری‌ها از من حمایت می‌کنند. در روز ۱۹ بهمن به علت دیدار امام با همافران آنها موفق به دیدار ایشان نشدند (سهراب غفاری، ۱۳۹۱/۷/۹). با شنیدن اینکه مهندس بازرگان در دانشگاه تهران سخنرانی دارد، به آنجا رفتند. پس از پایان یافتن ایشان شروع به شعار دادن کردند: «ما ایل بختیاری از بختیار بیزاریم». حاضران با دیدن این افراد که لباس محلی پوشیده بودند و شعار بر ضد بختیار می‌دادند، آنها را بر دوش خود بلند کردند و با آنها همراه شدند. سپس حمزه‌علی نیکخواه در آنجا سخنرانی کرد. در مسیر برگشت برخی از نیروهای انقلابی آنها را تا بهشت‌زهرها مشایعت کردند (محمد زمانی، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹).

۲۲ بهمن و پیروزی انقلاب

رؤسای شهربانی، ژاندارمری و فرمانداری در تظاهرات روز ۲۲ بهمن حضور پیدا کردند و ضمن سخنرانی، همبستگی خود را با انقلاب اعلام کردند و پس از آن حمزه‌علی نیکخواه و حسن عظیم‌زاده دربارهٔ حفظ آرامش و همراهی با انقلاب سخنرانی بیان کردند (حسن عظیم‌زاده، ۱۳۹۱/۱۱/۱۷). در پایان هنگام عبور مردم از مقابل شهربانی، نیروهای کمونیست خواهان حمله به آنجا و ضبط سلاح‌های آنان شدند. نیروهای مذهبی مانع آنها شدند؛ زیرا بر این عقیده بودند در این مورد نیز از روحانیون کسب تکلیف کنیم. به‌رغم اینکه کمونیست‌ها، روحانی بومی شهر را پیشنهاد دادند، لیکن نیروهای مذهبی استعلام از آیت‌الله طاهری اصفهانی را معرفی کردند. مسعود

ناصری و رحمت‌الله سعادت در همان روز به اصفهان رفتند و موضوع را با ایشان در میان گذاشتند. ایشان نامه‌ای به حمزه‌علی نیکخواه نوشت که از میان شهربانی و ژاندارمری هر کدام که موثق‌ترند، سلاح‌ها را در آنجا قرار دهید در صورت اعتماد نکردن به هر دوی آنها سلاح‌ها در جای دیگری نگهداری شود. حمزه‌علی نیکخواه به اتفاق چند تن دیگر به ژاندارمری و شهربانی رفتند، سلاح‌ها را تحویل گرفتند و آنها را به ساختمان شیر و خورشید منتقل کردند (ناصر مسعودی، ۱۳۹۱/۶/۱۲).

۳. نقش اқشار گوناگون در مبارزات دوران انقلاب معلمان و دانش‌آموزان

معلمان همانند سایر طبقات جامعه در برخورد با قیامی که بر ضد حکومت پهلوی برپا شده بود، عکس‌العمل‌های متفاوتی نشان دادند. آنها را می‌توان به معلمان همراه ساواک، معلمان انقلابی (نیروهای مذهبی و چپی)، معلمان بی‌طرف تقسیم کرد. تعداد گروه اول در میان معلمان بروجن بسیار اندک بوده است. تعدادی از معلمان بودند که بنا بر موقعیت شغلی خود، در این جریان سکوت پیشه کردند یا با ساواک همکاری داشتند و گاهی اوقات همکاری خود را با ساواک آشکارا ابراز می‌کردند (محمدحسین خرم، ۱۳۹۱/۷/۳). برخی دیگر از آنها را نمی‌توان متمایل به خاندان پهلوی یا همکار ساواک به حساب آورد، مانند مدیر مدارس؛ به دلیل اینکه کارمند دولت بودند، مجبور بودند گزارش وقایعی را که در مدرسه اتفاق می‌افتاد برای ساواک ارسال کنند (مصطفی توفیقی، ۱۳۹۱/۸/۵).

اما گروه دوم، اکثریتی بودند که به طرق مختلف کوشیدند دانش‌آموزان را مستقیماً یا غیرمستقیم به سمت انقلاب سوق دهند، تعدادی از آنها به افکار چپ گرایش داشتند. در سال ۱۳۵۶ زمانی که حمزه‌علی نیکخواه از دادگستری شهر کرد به آموزش و پرورش بروجن منتقل شد، وضعیت معلمان این شهر را بسیار نامناسب دید؛ لذا جلساتی برای آگاهی بخشیدن به معلمان از مهر ۱۳۵۶ تا مهر ۱۳۵۷ در حسینیه ولیعصر برگزار کرد و در سال ۱۳۵۷ اولین جلسه آنها به مناسبت حادثه ۱۷ شهریور در دبیرستان شهاب برگزار شد و اقدامات اخیر رژیم را محکوم کردند.

معلمان بروجنی دیرتر از دانش‌آموزان در تظاهرات وارد شدند؛ اما آنان بودند که به صورت مستقیم و غیرمستقیم دانش‌آموزان را به آغاز حرکات اعتراضی تحریک کردند. دانش‌آموزان

دبیرستان خشایار در نیمه اول مهرماه حرکات اعتراضی خود را آغاز کردند که به تدریج به دانش - آموزان سایر مدارس کشیده شد. دانش آموزان با الهام از معلمان و به نشانه پیروی و تبعیت از رهبر نهضت و اعلام وفاداری به او، از حضور در کلاس های درس خودداری کردند و به راهپیمایی و تظاهرات بر ضد رژیم پرداختند. در آبان تظاهرات آنها گسترش بیشتری پیدا کرد. چنانکه با تظاهرات خود، سایر اقشار شهر را پس از ۱۳ آبان به صحنه کشاندند.

حرکت اعتراضی فرهنگیان به راهپیمایی و تظاهرات محدود و منحصر نبود. آنها در اعلامیه - هایشان در ۵ آذر ضمن اعلام پشتیبانی کامل از جنبش ملت ایران خواستار برکناری حکومت نظامی و تشکیل حکومتی زیر نظر آیت الله خمینی شدند و حتی اعلام کردند در صورتی که به خواسته های آنها جامه عمل پوشانده شود با تدریس در تابستان عقب افتادگی دانش آموزان را جبران خواهند کرد. از دیگر فعالیت های آنها می توان به تعطیلی مدارس، برگزاری راهپیمایی سکوت، برپایی نمایشگاه کتاب و عکس، صدور، تکثیر و توزیع اعلامیه، رفتن به مناطق اطراف برای تشویق اقشار گوناگون به مبارزه و همراهی و همکاری آنها با بازاریان در ایجاد فروشگاه هایی در سطح شهر اشاره کرد. حضور معلمان و نقش آنها در تظاهرات و تحریک مردم از سایر اقشار شهر بیشتر بود. بی تردید نمی توان نقش بسیار مؤثر و کارآمد فرهنگیان و ارتباط و پیوند نزدیک شان با دانش - آموزان و دانشجویان و همراهی و همکاری شان با یکدیگر را فراموش کرد (حمزه علی نیکخواه، ۱۳۹۱/۶/۲۴).

زنان

از اوایل دهه ۱۳۵۰، نیروهای انقلابی بروجن در کنار دعوت از روحانیون مدعو برای روشنگری، جلسات مشابهی را نیز برای زنان برگزار می کردند. حتی مؤسسان کانون جوانان اسلامی از سال ۱۳۵۶ کلاس های مشابه کانون را برای خواهران نیز برگزار کردند. نیروهای انقلابی بروجن با دعوت از سخنرانان زن یا روحانیون مدعو برای آگاهی بخشیدن به زنان، اقدامات مؤثری انجام دادند (ابراهیم منصوری، ۱۳۹۱/۷/۲۶).

اولین حضور زنان در جریان انقلاب مربوط به انتقال و جابه‌جایی اعلامیه‌های امام و وارد کردن اعلامیه‌ها به شهر است و اولین حضور زنان بروجنی در تظاهرات مربوط به دانش‌آموزان دبیرستان ژاله است. هم‌زمان با تظاهرات دانش‌آموزان دختر، شایعاتی در شهر رواج پیدا کرد که هدفشان تحریک غیرت مردان بود تا در نهایت، مانع حضور دختران در تظاهرات شوند. همچنین، نیروهای شهربانی با فرستادن اراذل و اوباش به میان دانش‌آموزان دختر کوشیدند آنها را متفرق کنند. تعدادی از خانواده‌ها مانع از حضور دختران خود در تظاهرات شدند؛ ولی برخی از آنان مخفیانه در تظاهرات شرکت می‌کردند. برخی از مادران هم که نتوانسته بودند مانع حضور دختران خود در تظاهرات شوند، به ناچار خود نیز کنار آنها قرار گرفتند. در برخی از تظاهرات در قبل از ماه محرم، زنان در صفوف اول تظاهرات قرار می‌گرفتند. نیروهای شهربانی از هجوم بردن به سمت زنان و حمله کردن به آنها خودداری می‌کردند (روح‌انگیز کرمی، ۱۳۹۱/۶/۲۳).

از آذرماه به بعد با حضور دائمی زنان در تظاهرات، اعضای کانون جوانان اسلامی در برنامه‌ریزی‌های خود افرادی از اعضای کانون (خلیل اسحاقی، محمدحسین خرم و مهدیقلی طیبی) را مسئول مراقبت از زنان قرار دادند که در طول تظاهرات و پایان تظاهرات مراقب باشند تا مشکلی برای آنان پیش نیاید. با ورود آقای محمدنقی شاهرخی به شهر، ایشان اعلام کرد که زنان در صفوف عقب و مردان در صفوف جلو تظاهرات قرار گیرند (سکینه بنایی، ۱۳۹۱/۷/۲۱).

بازاریان

بازاریان بروجن در آستانه انقلاب از بازاریان سنتی بودند. در علل نارضایتی آنان افزون‌بر انگیزه دینی و خفقان موجود در جامعه، سیاست‌های اقتصادی رژیم نقش برجسته‌ای داشت. این سیاست‌ها که با افزایش قیمت نفت، افزایش نقدینگی، نبود کالاهای اساسی، وفور کالاهای لوکس تجملی در بازار و همچنین محدودیت‌هایی چون مبارزه با گران‌فروشی، کنترل قیمت‌ها همراه بود که بر بازاریان سنتی وارد می‌شد. بازاریان نیز از آثار و پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی رژیم بی‌نصیب نبودند. همچنین، حضور آنان در برخی از مناطق محروم و مشاهده وضعیت معیشتی آشفته و نابسامان مردم این مناطق و مقایسه آنها با خاندان پهلوی حس تنفیری در آنها به این خاندان

و اقداماتشان به وجود آورد و باعث شد تا با مبارزان حکومت پهلوی همراه شوند (خلیل اسحاقی، ۱۳۹۱/۷/۲۸).

بازاریان را در جریان مبارزه با حکومت پهلوی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اکثریت که به صورت کاملاً فعال در مسیر مبارزه با حکومت پهلوی در کنار سایر مبارزان قرار داشتند که از جمله آنها می‌توان به ابراهیم منصوری (قناد)، سیدخلیل اسحاقی (میوه‌فروش)، قربانعلی حجتی (مسگر) و علی‌اصغر برجیان (قناد) اشاره کرد. گروه دیگر که تعدادشان اندک بود، در این جریان یا با رژیم همکاری داشتند یا سکوت پیشه کردند (علی نیلیه، ۱۳۹۱/۷/۲۷).

شایان ذکر است، وکیل شرعی آیت‌الله خمینی در بروجن از بازاریان بود. بازاریان با دعوت از روحانیون مبارز، در بیداری مردم و تحریک آنها برای مخالفت با رژیم پهلوی نقش برجسته‌ای داشتند. از سوی دیگر، بیشتر بازاریان همانند علی نیلیه، امیرحسین غلامی، رحمت‌الله سعادت، آیت بنایی، حسینقلی بنایی، احمد شیروانی و محمد عباسیان میزبان روحانیون مدعو بودند. مؤسسان کانون جوانان اسلامی نیز از بازاریان بودند. از برجسته‌ترین شخصیت‌های بازاری که نقش مهمی در اداره کانون جوانان اسلامی داشتند، می‌توان به ابراهیم منصوری، سیدخلیل اسحاقی، امیرحسین غلامی، قربانعلی حجتی و علی‌اصغر برجیان اشاره کرد که افزون‌بر ایجاد روشنگری و بیداری در میان مردم بروجن از لحاظ مالی کانون را نیز تغذیه کردند.

بازاریان بروجنی نیز تحت تأثیر وقایع قم، تهران و دیگر شهرها به تعطیلی مغازه‌های خود اقدام کردند؛ چنانکه پس از حادثه ۱۷ شهریور تهران، در ۲۱ شهریور تحت تأثیر بازاریان شهرهای اصفهان و شهرضا مغازه‌های خود را تعطیل کردند، هرچند که برخی از آنها با این اقدام موافق نبودند. در اواسط آذر بازاریان بروجنی، همچون بازاریان سایر شهرها با تعطیلی مغازه‌های خود در اعتصاب شرکت کردند. آنها با تعطیلی کسب‌وکار خود و بستن مغازه‌هایشان، رژیم شاه را در تنگنا قرار دادند. این وضعیت در ماه‌های بعد ادامه یافت و پس از آن، آنها برای جلوگیری از مضیقه قرار گرفتن مردم با دایر کردن فروشگاه‌هایی در مناطقی از شهر احتیاجات مردم را فراهم کردند. همکاری بازاریان در جریان انقلاب تا حدی بود که آنها از مسئول فروش فروشگاه‌ها خواستند اجناس را با تخفیف بیشتر به مردم بفروشند و ضرر و زیان‌ها را خود پذیرفتند. همچنین، بازاریان

متمکن با کمک به بازاریان کم‌بضاعت، کوشیدند از شکسته شدن اعتصاب جلوگیری کنند (احمد شیروانی، ۱۳۹۱/۷/۲۰).

روحانیون

روحانیون بومی بروجن در امور اجتماعی نقش برجسته‌ای داشتند؛ اما در امور سیاسی و جریان انقلاب نقش چندانی نداشتند؛ اما حضور روحانیون مدعو در این شهر تأثیرات بسیاری در آگاهی بخشیدن به مردم داشت. آنها با سخنرانی‌های نسبتاً روشنگرانه‌ای در بیدارسازی مردم از مظالم حکومت پهلوی نقش برجسته‌ای برعهده گرفتند؛ چنانکه از آبان‌ماه ۱۳۵۷ به بعد، پس از هر سخنرانی تظاهراتی در شهر برپا می‌شد و با آغاز ماه محرم و ورود آقای محمدنقی شاهرخی تمامی فعالیت‌های انقلابی در شهر زیر نظر وی قرار گرفت و سرانجام مردم تحت نظر ایشان در روز عاشورا تابلو ستون یادبود و در روز ۲۶ دی‌ماه به دستور و تحت نظر او مجسمه شاه را پایین کشیدند (نصیر فیاضی، ۱۳۹۱/۶/۲۵).

سایر اقشار

گزارش ساواک از شرکت‌کنندگان در اولین تظاهرات بر ضد رژیم در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ به افراد با مشاغل گوناگون اشاره کرده که از جمله آنها می‌توان به راه‌خدا قریب‌شاهی شغل کافه‌دار، حیدرعلی نجفیان شغل راننده تاکسی، حیدرعلی زمانی مسافرخانه‌دار اشاره کرد. اگرچه افراد مذکور در تظاهرات عید فطر سال ۱۳۵۷ حضور داشتند، در مهر و آبان از پیوستن به دانش‌آموزان در تظاهرات خودداری کردند و حتی از نزدیک شدن به آنها واهمه داشتند. بعد از جریان ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۷ بیش از ۷۰ درصد جمعیت این شهر در تظاهرات حضور فعال پیدا کردند. حضور گسترده عامه مردم در کنار هم باعث ایجاد ترس در میان نیروهای ژاندارمری و در نتیجه، سکوت آنان در هنگام پایین کشیدن مجسمه شاه شد (مهدیقلی طیبی، ۱۳۹۱/۷/۳).

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر حوادث انقلاب در بروجن می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که:

۱. ویژگی‌هایی چون بافت مذهبی شهر، مسافرت تعدادی از آنها به قم و مسافرت و فعالیت‌های تبلیغی روحانیون متعهد به این شهر باعث شد تعدادی از مردم از اواسط دهه ۱۳۴۰ با آیت‌الله خمینی و جریان نهضت اسلامی آشنا شوند.
۲. انتقال عقاید انقلابی در بروجین عمدتاً از طریق روحانیون غیربومی و کانون جوانان اسلامی صورت گرفت.
۳. روحانیون مدعو با سخنرانی و تبلیغ آموزه‌های غنی اسلام و مؤسسان کانون جوانان اسلامی با ارائه آگاهی‌های فرهنگی در روشنگری و متعاقب آن ابراز مخالفت مردم بر ضد رژیم پهلوی نقش مؤثری داشتند.
۴. روند حوادث در بروجین نشان می‌دهد که مردم این شهر علاوه بر نارضایتی منطقه‌ای، تحت تأثیر جریان و حوادثی قرار داشتند که در دیگر شهرها اتفاق می‌افتاد و به سبب عظیم انقلاب پیوستند.
۵. در روند انقلاب اسلامی در این شهر نقش دیگر اقشار را نباید فراموش کرد؛ از جمله بازاریان که برخی از آنها از مؤسسان کانون جوانان اسلامی بودند و برخی دیگر در ایجاد فضای انقلابی در شهر نقش داشتند یا زنان که افزون بر همکاری با انقلابیون در بسیاری از تظاهرات در صف اول قرار داشتند و نیز فرهنگیان و دانش‌آموزان که با برپایی تظاهرات در برانگیختن احساس نارضایتی عمومی و فراگیر شدن مخالفت‌ها در شهر تأثیر داشتند.
۶. همکاری نسبی بخشی از نیروهای وابسته به حکومت با انقلابیون را نیز نباید از نظر دور داشت.

فهرست منابع و مآخذ

الف: اسناد و مدارک کتبی

- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- اسناد به‌دست‌آمده از نیروهای انقلابی شهر.

ب: کتاب

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۸۲)، *ایران بین دو انقلاب*، تهران: نشر نی.
- امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸)، *صحیفه امام*، صحیفه تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ روزشمار چهارمجال و بختیاری. (۱۳۸۸)، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی..
- فیاضی، مرتضی. (۱۳۸۶)، *یک قدم تا آسمان*، بروجن، افضل..
- گالت، چارلز الکساندر. (۱۳۷۸)، *ایل بختیاری*، تهران: شیرازه.
- نجاتی، غلامرضا. (۱۳۹۰)، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، تهران: رسا.

ج: نشریات

- روزنامه کیهان، شماره ۱۷، ۱۰۶۳۱، ۱۷ بهمن ۱۳۵۷.

د: مصاحبه‌ها

- ابراهیم اشراقیان، بروجن، ۱۳/۷/۱۳۹۱.
- ابراهیم منصوری، بروجن، ۱۷/۶/۱۳۹۱.
- احسان الله پیکار، بروجن، ۲۷/۸/۱۳۹۱.
- احمد شیروانی، بروجن، ۲۰/۷/۱۳۹۱.
- امیرحسین غلامی، بروجن، ۶/۹/۱۳۹۱.
- آیت بنایی، بروجن، ۱۵/۷/۱۳۹۱.
- حسن عظیم‌زاده، مکاتبه، ۱۷/۱۱/۱۳۹۱.
- حسن ناصری، بروجن، ۱۵/۶/۱۳۹۱.
- حسین ناصری، بروجن، ۲/۷/۱۳۹۱.
- حسینقلی بنایی، بروجن، ۱۴/۶/۱۳۹۱.
- حمزه‌علی نیکخواه، اصفهان، ۲۴/۶/۱۳۹۱.
- خلیل اسحاقی، بروجن، ۲۸/۶/۱۳۹۱.
- روح‌انگیز کرمی، بروجن، ۲۳/۶/۱۳۹۱.
- رؤیا غلامی، شهرکرد، ۲۲/۶/۱۳۹۱.
- زرین شیروانی، بروجن، ۲۷/۶/۱۳۹۱.
- سعید غلامی، قم، ۳۱/۶/۱۳۹۱.
- سکینه بنایی، بروجن، ۲۱/۷/۱۳۹۱.
- عباس پیکار، شهرکرد، ۸/۸/۱۳۹۱.
- علی‌اکبر رضوانی، بروجن، ۷/۱۰/۱۳۹۱.

- علی نصر، بروجن، ۱۳۹۱/۱۰/۷.
- علی نیلیه، بروجن، ۱۳۹۱/۹/۶.
- محمدتقی طاهری، بروجن، ۱۳۹۱/۱۲/۱.
- قربانعلی حجتی، بروجن، ۱۳۹۱/۶/۲۵.
- کبری پوردهقان، بروجن، ۱۳۹۱/۸/۴.
- محمدحسین آرامش، بروجن، ۱۳۹۱/۷/۲۰.
- محمدحسین خرم، بروجن، ۱۳۹۱/۷/۳.
- محمدرضا پیراسته، بروجن، ۱۳۹۱/۷/۲۸.
- محمدرضا فیاضی، قم، ۱۳۹۱/۸/۳.
- محمد عباسیان، بروجن، ۱۳۹۱/۹/۸.
- محمد مدنی، قم، ۱۳۹۱/۷/۲۷.
- محمدتقی شاهرخی، قم، ۱۳۹۱/۶/۱۴.
- مصطفی توفیقی، بروجن، ۱۳۹۱/۸/۵.
- مهدیقلی طبیبی، بروجن، ۱۳۹۱/۷/۳.
- ناصر مسعودی، بروجن، ۱۳۹۱/۶/۲۵.
- نصیر فیاضی، بروجن، ۱۳۹۱/۶/۲۵.
- مهدی فیاضی، بروجن، ۱۳۹۱/۱۲/۱.
- مصطفی توفیقی، بروجن، ۱۳۹۱/۸/۵.
- محمد زمانی، قم، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹.
- غلامعلی شیرانی، بروجن، ۱۳۹۱/۹/۷.
- سهراب غفاری، نقته، ۱۳۹۱/۷/۹.
- احمد افضلی، بروجن، ۱۳۹۱/۶/۲۵.
- رحمت‌الله سعادت، بروجن، ۱۳۹۱/۹/۷.
- رحمت‌الله شبانیان، بروجن، ۱۳۹۱/۹/۵.
- علی جوانبخت، بروجن، ۱۳۹۱/۶/۲۶.
- کبری پیردهقان، بروجن، ۱۳۹۱/۸/۴.
- محمدرضا خلیلیان، بروجن، ۱۳۹۱/۵/۸.

ضمیمه شماره ۱



ضمیمه شماره ۳

۱۳۵۷ / ۸ / ۹

۱- در روز عت ۹/۵ صبح زائران آستان دیرستان شهاب بر چنین بستر نرسند و در دوران نوبت این
 بیداری حکم کردند و تمام مکتوب و تقاضاها بکارت نوبت آری مهر را بار کردند ، رئیس دیرستان شهاب در دیرستان حضور
 نداشتند و سایر دیربران با تقاضا و شکایت مکتوب کردند ،

۲- زائران آستان دیرستان حق و بر دیر شهاب در حقیقت بر این نظر است که با گفتار رخصت می باشد
 ۳- در روز دیر آستان دیرستان شهاب و دیرستانی در حقیقت و اولی بر چنین با پیش آمدن این بچه
 شهاب رخصت می باشد و مضافاً این بچه بر چنین را نیز نگه کردند و تقاضای رسیدن دیرستان را از همه بچه ها
 بزرگ بر چنین رخصت می در کار و زائران آستان دیرستان نمودند .

۴- ۱۸ روز عت ۸/۹ صبح زائران آستان دیرستان و تقاضای رسیدن بر چنین و در حقیقت بر این راه چاه پس بر این
 و در حالیکه شهاب بر این راه چاه را عمل کردند شهاب می شد بدستی و ملی می شدند و پس از شستن شهاب
 در شب سینه که برسد از دیرستان انجام شد متفرق شدند و آن جزو من شیخانه در بعد نصف دیرستان
 ۵- در حال حاضر حضور شهاب بر چنین در حقیقت بر این در حقیقت و در حقیقت تمام تا بیدار شدن
 در حقیقت بر این که اساس خندان را بپذیرد بود و شهاب شد .

نظر ۱- در حفظ احوال حاضر رئیس دیرستان و جزو من شیخانه بر دیرستان شهاب و این را بر این حرکت می در
 بزرگ اند که در حقیقت بر این است قبلی با پس از شهاب در حقیقت بر این تا دیرستان در دیرستان شهاب
 مرضی و فایده می .

۳- رئیس دیرستان شهاب بر این بود که در حقیقت بر این بود که در این کار با تقاضا دست کردند .

۴- بر این در حقیقت بر این شیخانه بود که در حقیقت بر این بود که در این کار با تقاضا دست کردند .

الف - مخالفت با حکومت نظامی ب (مختلطه راه فرار از مخالفت اول) در هم در هم بردن دو معنای مدار
 در این حال اینها سلفی و ذوقا صفران متوقفاً یعنی پرسش را نموده نه از چند نفر که غیر اتقانند و هم از
 چه خواننده بزرگ که متوقفاً در این نسخه با اعتصاب از این مردم و در دادگاه دادیه فرزند از این حضور را برسانند و حتی
 اعتصاب غذا کنند و نیز همه روزها اعتصاب می کنند و قرار است فرزند است در همه روز در این اعتصاب
 اعتصاب کنند بر زمین و همه روزها این کار را تکرار کنند و این درجه ها که در این اعتصاب در دست است که از این اعتصاب
 یافت در حالیکه اینها در مضایق فرسودن در بیعتی است با اینها و در وقتها در اینها در اینها در اینها
 نظریه ام چون بوضوح معلوم است که آنها را میخواهد و هم از این دالیم می از عواقب کار برسد آنده نام این کارها را گفته
 را با چای زردی خوانده نه به نسبت به اینها و با خود داشته باشند در صورتی که این چند نفر هم در اینها
 قرار نگیرند با اینها در اینها در عدول اینها که نام اینها در مضایق فروید بر تفری اینها که نام هم در اینها
 و البته هم که خود خواننده به اینها در اینها در اینها در اینها در اینها در اینها در اینها در اینها در اینها

(مخفی)

ضمیمه شماره ۷

بسم الله الرحمن الرحيم
اطلاعیه شهردان شهرتاریخ بروجرد
در تاریخ ۵ آذرماه ۱۳۵۷ جلسه ای مرکب از آقایان، دکتر محمدان و اعضای آشنای
شهرتاریخ بروجرد تشکیل گردید. در ضمن اعلام پشتیبانی و همکاری کامل با جنبش طلب ایران
در احقاق حقوق عقده مدافع نظام در دستگاه حاکم تقصیرات زیر گرفته شد:
۱- تا دولت فعلی روی کار است از روشن نگه داشتن خودداری مینمایم.
۲- پس از برکناری دولت نظامی باید زیر نظر حضرت آیت الله العظمی خرمینی دولت با رأی اکثریت
مردم نظام امور را بدست گیرد.
۳- در صورتیکه فرارته‌های ما در عمل نباشد ماده ۱۰۷ را به ما تدریس ساعت اضافی
در روز دوشنبه در تعطیلات تابستانه بپردازد. از همه باور یافت معتقد به اقتادگی دانش آموزان با
چراغ برافشیم.
۴- چنانچه جامعه معلمان ایران تقصیر دیگری بپردازد با معلمان شهرتاریخ بروجرد نیز تاجی از آن
خواهم بود.
۵- چراغ طلبی جامعه را رادار و نور ایران در راه سربو و احقاقاق کامل سربو می‌گردید غیر از این
اطلاعیه هرگونه خبر دیگری که در قول معلمان بروجرد (تاریخ) یا در هر یک از سگردد.
مسئول شهرتاریخ بروجرد

۱۸۸۲
۱۳۱۱
گزارش
تقریباً هفتاد و پنج نفر در مجلس تنظیم در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۱۰ در ۱۰۰ نفر که با کسب تعداد زیر در میان
مخبره و مشول شکست شسته آن هفتاد و یک نفر نامور من متدرک که در آن زمان نامهای اولی
۱- سلطان مراد صالحی ۲- روح البنا هر محمد حسن طاهر ۳- آیت الله بروجردی و دیگران و هفتاد و یک نفر
از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
با آنکه در آن جمله لایحه فرموده و بر کتاب ثبت لطیف نامشروع نموده که در وقت آن سال در تهران
در بزرگترین و غلامان و با هم دیگر نه اندک از متهمین بمرحله زیر یا بجز ۱- سلطان مراد صالحی ۲- روح
بزرگسال ۳- ساله با جعفری و دیگران از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
تقریباً هفتاد و پنج نفر در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
در اردیبهشت ماه در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
اولی یا کسب در چشم در جعفری و دیگران از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
دیگر که اسم آنرا نام رکت سیاه یعنی آنست که در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
نقد آنست که بخانه اسم مردم در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
اولی یا کسب در چشم در جعفری و دیگران از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
۲- حسن طاهر فرزند ایر علی اهل و کسب در چشم در جعفری و دیگران از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
جمال خیابان آرمین علی نظار هر کلیند و چند نفر بزرگ بودند که آنرا از میان شناسم بجز را که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
هر چه در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
بسیار که در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
اطراف و در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
رشته و بجز بجز در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
از جمله در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
شعور خود کردن شیف در هفتاد و یک نفر که با شاهه با مردان متفرق و در آن اتفاق دویم به کتب در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان
در کتب آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر
بسیار که در میان آنرا که در کتب کتبه شده است در وقت اطفاء و سپهر شایان در میان اطراف هفتاد و یک نفر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«اربعین، حسینی تجلی پیکار پیرهن شده سرور شهیدان و رهبر آزادگان (امام حسینی ع) بر علیه طاغوت زمان می باشد»

ملت ایران برهبری نائب الامام حضرت آیت الله العظمی خمینی مابنه پیکار خود را با امیرالاسم و طاغوت نظام در رژیم سلطنتی آیتان که در جریان بودید بر سر تار سیدن با همدان عالمیه حکومت عدل اسلامی برانگیخته و در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در قم بهمن جهت همه پیروی از نیات و اهداف روحانی و دینی ضمن بزرگداشت اربعین حسینی در پیاده روی و تظاهرات حقوق طلبانه مردم بروجن که بعد با تمامی مردم ایران بر تاسید حکومت عدل اسلامی برهبری آیت الله خمینی می باشد شرکت فرمایند.

بدینوسیله از کلیه همکاران فرهیخته و دانش آموزان آموزشگاهها، دختران و پسران دعوت میشود رأس ساعت ۹ صبح روز جمعه ۲۹/۷/۵۷ در استادیوم ورزشی علامه رضا آذنجی (واقع در جاده قدیم سیاسی) جهت برنامه روزی و برقراری انضباط کامل حضور یابند. همچنین از دستگیریهات بروجن استدعا میشود که در این تظاهرات و راهپیمایی شرکت کنند.

«مجلس علماء شهرستان بروجن»

ضمناً خاطر مردم مبارز بروجن را به موارد زیر معطوف میسازد:

- ۱- شرکت کلیه دبیرات در تظاهرات آشنانه رشد ملی و سیاسی و همبستگی می باشد.
- ۲- طبق اعلامیه آیات، حفظ نظام و در پیاده روی و تظاهرات رعایت فرمایند.
- ۳- از پارک کردن وسیله نقلیه و صرفیغ مانع راهندان در مسیر تظاهرات خود داری فرمایند.
- ۴- از حرکت و ایستادن در پیاده روی جداً خود داری فرمایند و در خیابان به صف تظاهر کنندگان پیروند.

ضمیمه شماره ۱۰: معرفی مصاحبه‌شوندگان

- حمزه‌علی نیکخواه: متولد سال ۱۳۱۶، هم‌زمان با انقلاب به شغل معلمی اشتغال داشت. در جریان انقلاب یکی از عناصر فعال انقلابی بود.
- محمد مدنی: متولد ۱۳۱۸، تحصیلات حوزوی.
- محمد عباسیان: متولد ۱۳۱۴، تحصیلات پنجم ابتدایی، شغل بازاری، از سال ۱۳۴۶ تا سال ۱۳۵۴ وکیل امام خمینی در بروجن بود.
- ابراهیم اشراقیان: متولد ۱۳۳۵، تحصیلات دیپلم، در ایام انقلاب کارمند بانک بود.
- امیرحسین غلامی: متولد ۱۳۱۸، در جریان انقلاب شاغل در هلال‌احمر، منزل وی محل اقامت برخی از روحانیون مدعو به شهر بود.
- قربانعلی حجتی: متولد سال ۱۳۲۹، از بازاریان شهر.
- احمد افضلی: متولد سال ۱۳۳۱، در ایام انقلاب به معلمی اشتغال داشت.
- محمدنقی شاه‌رخ: متولد سال ۱۳۱۳ در ایام انقلاب اسلامی یکی از روحانیون فعال در سطح کشور بود. وی با ورود به بروجن رهبری مردم مسلمان انقلابی را بر عهده گرفت.
- محمدرضا فیاضی: متولد ۱۳۴۱.
- نصیر فیاضی: متولد ۱۳۱۳، تحصیلات پنجم ابتدایی، از بازاریان شهر.
- محمدحسین آرامش: متولد ۱۳۲۹، میزان تحصیلات ابتدایی، از بازاریان شهر.
- علی جوانبخت: متولد ۱۳۳۵، در ایام انقلاب به معلمی اشتغال داشت.
- علی نیلیه: متولد سال ۱۳۱۴، تحصیلات مکتب‌خانه، از بازاریان شهر.
- آیت بنایی: متولد سال ۱۳۱۹، شغل بازاری، یکی از افراد فعال انقلابی بود.
- سهراب غفاری: متولد ۱۳۱۸، تحصیلات دیپلم، در زمان انقلاب کشاورز بود.
- سکینه بنایی: متولد ۱۳۴۴، در ایام انقلاب دانش‌آموز مقطع راهنمایی بود.
- منیژه فرامرزبان: متولد ۱۳۳۹، در ایام انقلاب دانش‌آموز مقطع دبیرستان بود.
- کبری پیردهقان: متولد سال ۱۳۴۲، در ایام انقلاب دانش‌آموز مقطع دبیرستان بود.
- زرین شیروانی: متولد ۱۳۳۰، در ایام انقلاب معاون مدرسه ماندانای بروجن بود.
- محمدرضا پیراسته: متولد ۱۳۰۳، تحصیلات مکتب‌خانه، از بازاریان شهر.

- احسان‌الله پیکار: متولد ۱۳۳۷، در ایام انقلاب معلم بود.
- عباس پیکار: متولد ۱۳۴۱، در ایام انقلاب دانش‌آموز دبیرستان خشایار بود.
- روح‌انگیز کرمی: متولد ۱۳۴۱، در ایام انقلاب دانش‌آموز مقطع دبیرستان بود.
- ابراهیم منصوری: متولد سال ۱۳۲۷، در سال ۱۳۴۸ کانون جوانان اسلامی را در بروجن تأسیس کرد، در سازمان‌دهی جوانان در مبارزه با رژیم پهلوی نقش داشت.
- مصطفی توفیقی: متولد ۱۳۳۳، در ایام انقلاب به معلمی اشتغال داشت.
- محمدتقی طاهری: متولد ۱۳۴۰، در ایام انقلاب اسلامی دانشجوی دانشسرا بود.
- محمد زمانی: متولد ۱۳۲۴، قبل از انقلاب به کشاورزی اشتغال داشت.
- احمد شیروانی: متولد ۱۳۱۳، تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، از بازاریان شهر.
- حسینقلی بنایی: متولد ۱۳۱۲، تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، از بازاریان شهر.
- سید خلیل اسحاقی: متولد ۱۳۲۸، تحصیلات دیپلم، از بازاریان شهر.
- مهدیقلی طیبی: متولد ۱۳۲۹، از بازاریان شهر.
- علی نصر: متولد ۱۳۴۱، در ایام انقلاب دانش‌آموز دبیرستان بود.
- سعید غلامی: متولد ۱۳۴۳، در ایام انقلاب دانش‌آموز مقطع راهنمایی بود.
- حسن ناصری: متولد ۱۳۲۹، در ایام انقلاب به معلمی اشتغال داشت.
- حسین ناصری: متولد ۱۳۲۵، تحصیلات ابتدایی، از بازاریان شهر.
- رؤیا غلامی: متولد ۱۳۴۴، در زمان انقلاب دانش‌آموز مدرسه ماندانای بروجن بود.
- رحمت‌الله شبانیان: متولد ۱۳۱۹، تحصیلات پنجم ابتدایی، در ایام انقلاب اشتغال به دامداری داشت.
- رحمت‌الله سعادت: متولد ۱۳۰۷، تحصیلات مکتب‌خانه‌ای، از بازاریان شهر.
- مهدی فیاضی: متولد ۱۳۳۲
- علی‌اکبر رضوانی: متولد ۱۳۳۵، در ایام انقلاب معلم بود.
- حسن عظیم‌زاده: متولد ۱۳۱۸ در خوی، از سال ۱۳۵۱ رئیس دادگستری بروجن بود.
- غلامعلی شیرانی: متولد ۱۳۰۵، تحصیلات مکتب‌خانه‌ای.
- محمدحسین خرم: متولد ۱۳۳۲، در ایام انقلاب معلم بود.